[203] استشهاد كردند: (شايد اين امر آزمايشى براى شما بوده وتا زمان اندكى آنان را بهره مند سازد)، وبا دست به معاويه اشاره كرد. معاويه گفت: قصدت از اين سخن چه بود، فرمود: قصدم همان چيزى است كه خداوند اراده آنرا نموده است، آنگاه معاويه برخاست وخطبه أي خواند كه در آن به على عليه السلام دشنام داد وبسيار مسخره واستهزاء نمود، امام حسن عليه السلام برخاست وبه أو كه هنوز بالاى منبر بود گفت: واى بر تو أي پسر خورنده جگرها، آيا تو أمير المؤمنين عليه السلام را سب ولعن مى كنى، در حاليكه پيامبر فرموده است: هر كه على را سب ودشنام دهد مرا دشنام داده است، وهر كه مرا دشمن دهد خداوند را دشنام داده است، وهر كه خدا را دشنام دهد خداوند أو را در آتش دوزخ وارد سازد ، در حاليكه در آن جاودانه خواهد بود، وعذابي پايدار براى اوست. آنگاه امام از منبر پائين آمد وبه خانه اش رفت ودر آنجا ديگر نماز نگذارد. (33) خطبهء آن حضرت در شناسائى خود وصفات زمامدار روايت شده: روزى عمرو بن عاص به معاويه گفت: نزد حسن
